

## ویژه

همزمان با آغاز رقابت‌های فوتبال

### افتتاح رادیو جام جهانی بارمز نشاط و وحدت

رادیو جام جهانی روز یکشنبه با پیام‌های آرسالی از سوی وزیر ورزش و جوانان و با حضور معاونت صدا، مدیر رادیو ورزش، مدیران رادیویی و گزارشگران ورزشی و همچنین خانواده شهدان عجمیان و رضایی‌مجد به صورت رسمی افتتاح شد.

۶

نگاهی عمومی به سریال «بی همگان»:

### فرهنگ همگانی در سریال‌های ایرانی

۵

نگاهی به تأثیر هویت‌ساز  
«جعبه جادو» از دیروز تا امروز

### خاطرات مشترک تلویزیونی



۷



تحلیلی بر ساختار تشکیلاتی و محتوایی رسانه‌های معاند فارسی‌زبان

## بی بی سی؛ آکادمی جاسوس خبرنگاری

۸

رسانه ملی حق پخش مسابقات جام جهانی را  
خریده است

# سلام صداوسیما از دوحه

۶



نودمین سال اکران  
اولین فیلم ناطق سینمای ایران

### وقتی جعفر و گلنار برای رضا خان خواندند!

فرهنگ

۱۰



جشنواره فیلم رشد مخاطبان فیلم کوتاه را  
افزایش می‌دهد

### قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی ایران در مسیر رشد

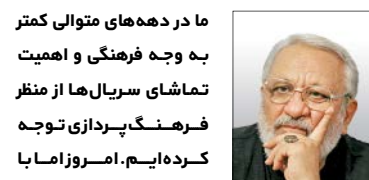
فرهنگ

۱۱

## گزارش

نگاهی به سریال «بی همگان»:

# فرهنگ همگانی در سریال‌های ایرانی



احمد میرزایی  
نویسنده و منتقد

ما در دهه‌های متوالی کمتر به وجه فرهنگی و اهمیت تماشای سریال‌ها از منظر فرهنگ‌پداری توجه کرده‌ایم. امروز اما با تماشای سریال «بی همگان» می‌بینیم که زندگی‌های شرافتمندانه در بجه‌های از رفتارهای ناشرافتمندانه چقدر مهم است. در جهانی که از هر سو شیاطین و ظلمات دربی ارائه تصویری منفور، یاس‌آلود، افسردگی‌آور و پر از تباهی و فساد از زندگی ما ایرانی‌ها است، تماشای آدم‌های نیک در یک سریال رویدادی شیرین است. این نکته‌ای است که من سال‌ها بر آن پافشاری کردم. سریال بی همگان یک الگوی ساده، ارزشمند، همگانی و درست‌اندام برای سریال‌های فرهنگ‌پرور و اخلاق‌گرای درام‌های خانوادگی و اجتماعی است. سریالی به دور از سموم اخلاقی و تباهی‌زدگی و بهانه‌های افسردگی‌آور که همواره بیننده را مایوس و سرخورده می‌کند از این‌که چقدر بدبخت و فاسد هستند. سلامت این سریال نشان‌دهنده آن است که جذابیت در پیروی از نمونه‌های روایی سرشار از نگرش‌های سیاه و نیست‌انگارانه با انبوهی از کاراکترهای منفور، بیمار و فرآیندهای انباشت افسردگی، یاس و اختناق همگانی حاصل نمی‌آید. داستان‌های فرهنگ‌پرور و اخلاق‌گرا با شخصیت‌های مثبت و فضای سالم خانوادگی در کشمکش با الگوهای ظلمانی می‌تواند بسیار پرکشش نوشته شود و چنین موضوعاتی بی‌شک معنای‌ساز و جذاب‌کننده سریال‌ها شود.



### فیلم و سریال‌هایی علیه ارزش‌های فرهنگی!

چرا می‌خواهم درباره سریال بی همگان بگویم. همواره انگیزه‌ام در پرداخت به سبب‌های تأثیرات سریال‌های تلویزیونی وقوف به نقش مهم تربیتی و آموزشی آنها بوده است. از بزرگ‌ترین کاستی‌های تلویزیون در دهه‌های اخیر، تولید سریال‌هایی بوده که دارای تناقض عیان با اهداف تربیت دینی هستند و البته سرشار از نگاه‌های فسادانگیز، تیره‌وتار و منزجرکننده فرهنگی، پندار‌بوچی و جود‌دارد تا نوشتن درباره سریال‌های روزمره تلویزیونی

## یادداشت

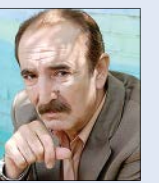
### هنرمندان با سابقه را دریابیم

یکی از ویژگی‌های هر رسانه مرجع و فراقسری، نقش هنرمندان با سابقه در شکل‌گیری و رشد آن است. به بیان بهتر هنرمندان با سابقه هستند که می‌توانند کارهایی در حد متوسط را به سطح خوب برسانند یا کارهای خوب را به کارهای عالی تبدیل کنند.

آرشو رادیو و تلویزیون ایران را که بررسی می‌کنیم، متوجه خواهیم شد که محصول سرگرم‌کننده فراوان تولید شده و بهترین محصولات، آنهایی بوده‌اند که از منظر به کارگیری هنرمندان با سابقه، موفق عمل کرده‌اند و هر قدر هماهنگی استفاده از هنرمندان با سابقه بیشتر بوده، کیفیت کار بهتر شده است. خودم هم در رادیو و هم در تلویزیون و گاهی در سینما کار کرده‌ام و شخصا دریافته‌ام عمدتاً احساس مسئولیتی که هنرمندان با سابقه نسبت به کار خویش دارند، واقعه ستودنی است. در رادیو یا گنجینه‌ای از هنرمندان با سابقه رویه‌ور بوده ایم که با حداقل‌ها توانسته‌اند مخاطبان را راضی نگه دارند. هنوز هم وقتی برنامه‌های رادیویی را بررسی می‌کنیم و فی‌المثل نمایش‌های رادیویی، درمی‌یابیم که چقدر کارهای خوب و ارزشمند داریم.

وقتی می‌دانیم استفاده از هنرمندان با سابقه سبب‌ساز شکل‌گیری محصولاتی ارزنده می‌شود، چرا برخی تهیه‌کنندگان به سمت استفاده از نایاب‌تر برای سریال می‌روند و نقش‌ها را به افرادی می‌سپارند که چندان تجربه کار ندارند. گاهی کمبود بودجه را دلیل این کار می‌دانند ولی سؤال آنجاست که اگر بودجه کم است و کافی نیست، چرا از دستمزدهای خودشان کم نمی‌کنند و فقط برای بازیگران با سابقه، کم می‌آورند؟ هرگاه سریال‌های تلویزیونی را مورد توجه قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم حتی در سریال‌هایی که متن جذابی ندارند، چقدر حضور بازیگران با سابقه انگیزار است و می‌توان با واگذاری نقش‌ها به هنرپیشه‌های قدیمی کاری کرد که میزان مخاطبان افزایش یابد.

حالا اگر همین حضور با سابقه‌ها در سریال‌هایی با متن‌های جذاب و درجه‌یک صورت گیرد، قطعاً با محصولاتی رویه‌رو خواهیم شد که قابلیت ماندگاری بالایی دارند و حتی اگر بارها از تلویزیون پخش شوند باز هم مخاطب خواهند داشت. پس چه خوب است تا می‌توانیم از پیشکوتان در رده‌های مختلف کاری استفاده بهینه ببریم.



بیوک میرزایی  
بازیگر  
رادیو و تلویزیون

ایران رخ دهد و از سوی دیگر یک اثر سیاسی نیست و مسائل عمومی انقلاب و چالش‌های آن در قلمرو اختصاصی، خود را بروز داده و بی‌ربط به وضع دراماتیک وضعیت فردی انسان درگیر و دار خانواده و جامعه واقعی باشد. این سریال به معنای آن است که در لایه‌های داستان ملموس و احساس برانگیز بدون آن‌که موضوع و محتوا شکل لفاظی و شعارهای پر حق و فاقد قوه به خود بگیرد، حقایق بنیادین بحران‌ها و کشمکش‌های اصلی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند به نحو جذاب مطرح شود، قدرت آگاهی بخشی آن به صورت مجذوب‌کننده عمل کند و با تاپوها بستیزد. رویه‌رو شدن با یک طبقه متوسط و آبرومند در این سریال همان است که طی سال‌ها به ضرورت آن اشاره کرده‌ام. در سریال‌هایی که از روح زهرآلود نویسندگان به انگیزه‌های سیاه‌نمایی سرشار است، حتی روایت‌هایی با ظرفیت‌های فراوان ترویج فضای شیرین خانوادگی آگاهانه تخریب شده است. کم‌ابین‌کننده واقعیت‌های زندگی و رخداد‌های فتنه‌آلود نشان داد این نویسندگان و سریال‌سازان در هر بزنگاه فرصتی به سیاه‌نمایی‌های غیرمنصفانه دست می‌زدند. سال‌ها تلویزیون با نمایش این نوع داستان‌ها مردم را نسبت به زندگی در جامعه

و داستان‌های طبیعت و محیط زیست ماست و علم و هنر همین کار را انجام می‌دهند. این واکنش دربردارنده بازنمایی‌های گوناگون است. در داستان‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها بازنمایی فرهنگی را مشاهده می‌کنیم. در سریال بی همگان چه عناصر معناشناختی فرهنگی و چه روایت‌های تأثیرگذار و مشوق نیک، پیروزی و خیر وجود دارد؟ به آنان توجه کنیم و اهمیت آنها را دریابیم. معنایی که شالوده‌های وحدت ملی و اصول فرهنگی یک خانواده دین‌محور را در برقرار می‌کند. در اینجاست که درام خانوادگی با درام اجتماعی، روایت تمایز یک عشق همگن با خرد و فرهنگ با یک علاقه ناهمگن دچار چالش فرهنگی که در بستر علق و رویاهای اجتماعی نیکخواهانه و بدخواهانه روایت شده است. در اینجا کشمکش در فضای فردی زندگی امیرعلی، ماجرای او و دوستی که به کج‌راه کشیده می‌شود و سایر ماجراهایی که در این سریال می‌بینیم، خوب به هم گره خورده و به امری اجتماعی ارتقایی می‌یابد. این اثر لایالی نیست که مسائل زندگی فردی در آن در جزیره‌ای متروک و گسسته از مسائل اجتماعی فرهنگی



نکته مثبت سریال،  
گسترش یک  
فرهنگ درست  
اخلاقی در ارتباط  
با نشان دادن  
خانواده‌های سالم  
است

ایرانی عصبی کرده و مدام به آنها گفته بدبخت و مفلوک هستند و البته سینمای روشنفکرانه غربگرا در راس چنین پروژه‌ای رفتار کرده است. به یاد داشته باشیم منطق سنت‌های الهی و اخلاقی در شالوده سریال بی همگان، کارکرد خوبی دارد. به عنوان مثال اگر فردی نیکو کند، خداوند صد‌ها برابر آن را به خود او باز می‌گرداند که مایه سعادت و خوشبختی او می‌شود و این‌که عدم اعتماد به نیروی حافظ امنیت، غرور و خودرایی، زیان بخش است و در راه این بی‌اعتمادی، گناه جان از کف می‌رود. اینها از آموزه‌های دیگر این سریال است. بدین سان کارکرد سنت‌های سالم اخلاقی و سنت‌های الهی در روایت بی همگان با پیروزی و توانایی زیادی پایه‌های داستان را آبیاری می‌کند و قصه را بر پایه چارچوب معنوی و نظریه‌سالمی قرار داده است.

ایده خرافی ستیزه‌انزواج یازن بیوه صاحب دوزخند که مایه خوشبختی امیرعلی شده و فرهنگ متین خانواده امیرعلی و تسلیم شدن به خرد به جای سنگ‌اندازی به این راه، وجه شریف دیگر این سریال است. بدین سان سریال یک تفکر غلط را در عرف جامعه به خوبی نقد می‌کند و نشان می‌دهد حقیقت می‌تواند خلاف این تصور جلوه‌خانه باشد و عشق بر بستر صداقت، محبت و اخلاق می‌روید.

### نشان دادن خانواده‌های سالم

روایت بی لکت و بی‌پاوهگی و آب‌بندی قصه، به انضمام بازی‌های آرام و بی‌اغراق، توجه بازی‌سازان به نقش‌ها و شخصیت‌ها و درک درست بازیگران از بازی‌شان متناسب با شخصیت‌شان در سریال و کارگردانی حرفه‌ای از امتیازهای سریال بی همگان است. در اینجا قدم نقد این سریال نیست، بلکه نشان دادن همین وجه برجسته سالم‌سازی روحی و نمایش یک خانواده شریف و ارزش‌ان در سریال‌های ایرانی است. به نظر از مهم‌ترین وجوه این سریال خلاف رفتار کاسب‌کارانه، سودجویانه و آزادنده بسیاری از سریال‌های سال‌های اخیر، پایان‌بندی کامل و راه‌رویی اعیان‌تماشای‌گر به سبب ناتمام گذاشتن بسیاری از سرنوشت‌های قهرمانان و ضدقهرمانان قصه و ناکام نگه داشتن مخاطب بوده است. تنها نکته آزادنده این سریال، قانع‌کننده نبودن تیرگی بی‌حد و حصر الناز است. گرچه او به سبب همه آنچه مسئول آن است، مستحق مجازات بود اما ظرفیت او کمی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و واقعا جزا‌الناز در یک نقطه نامعقول به دختری ذل بدل شد؛ دلایلی که در سریال برای این پرسش در نظر گرفته شده به قدر کفایت قانع‌کننده نیست. گرچه او یک شخصیت خاکستری در سریال است اما واقعا چقدر درخشان و سزاوار این همه بدبختی است؟ در مجموع نکته مثبت این سریال، گسترش یک فرهنگ درست اخلاقی در ارتباط با نشان دادن خانواده‌های سالم است.